



**مجموعه مقالات  
نخستین کنگره بین‌المللی  
علوم انسانی اسلامی**

**کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی  
علوم انسانی اسلامی**

|                     |                                                                                                                                                                 |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی (نخستین: ۱۳۹۱: تهران)                                                                                                       |
| عنوان و نام پدیدآور | مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی                                                                                                        |
| مشخصات نشر          | تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۳.                                                                                                                                       |
| مشخصات ظاهری        | ج ۵:                                                                                                                                                            |
| شابک                | دوره ۸-۱۰: 978-964-7867-10-8 ؛ ج ۱: 978-964-7867-11-5 ؛<br>ج ۲: 978-964-7867-12-2 ؛ ج ۳: 978-964-7867-13-9 ؛<br>ج ۴: 978-964-7867-14-6 ؛ ج ۵: 978-964-7867-08-5 |
| مبعت فهرست نویسی    | فیبای مختصر                                                                                                                                                     |
| یادداشت             | فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <a href="http://opac.nlai.ir">http://opac.nlai.ir</a> قابل دسترسی است                                                         |
| یادداشت             | تهیه کننده هر جلد متفاوت است.                                                                                                                                   |
| یادداشت             | کتابنامه.                                                                                                                                                       |
| شماره کتابشناختی    | ۳۷۷۳۹۳                                                                                                                                                          |

### مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی

جلد اول | کمیسیون تخصصی فلسفه و روش شناسی علوم انسانی اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا)  
نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در نخستین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی

سر ویراستار: محمدرضا محمدی

طراحی روی جلد: سید امیران بورنی نحتی

صفحه آرایی: یوسف بهی

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۴۰۰

شمارگان: دوره ۱۰۰۰

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۱۰-۸

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۱۱-۵

قیمت دوره ۶ جلدی: ۱۲۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا

تلفکس: ۶۶۴۰۹۰۵۶، کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

پایگاه اینترنتی: [www.sccsr.ac.ir](http://www.sccsr.ac.ir)

رایانامه: [info@sccsr.ac.ir](mailto:info@sccsr.ac.ir)

بسم الله الرحمن الرحيم

بی‌گمان پس از شکل‌گیری اساس نظام جمهوری اسلامی، موضوعی مهم‌تر و چالش‌برانگیزتر از تولید ارزش مبتنی، منبعث و سازگار با اسلام در پیش‌روی مومنان به اسلام، نبوده است. ایده «تربیت فرهنگی در روزهای نخست پس از پیروزی، اولین بیانیه روشن این نیاز بود.

در سال نخست پس از پیروزی، نظام جمهوری اسلامی، ساز و کار سخت‌افزاری خود را در قالب قانون اساسی بنا نهاد، اما آن‌گاه که قرار شد در فرآیند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، استدلال‌ها و عقلانیت اسلامی، به جریان بیندازد، به یک‌باره با خلاء تئوریک بس عظیم روبه‌رو شد، به‌طوری که در هر غرغه و مسئله و موضوعی، کارگزاران نظام اسلامی در مقابل این سؤال که «چرا باید چنین یا چنان دانگام و موضعی داشته باشند؟» با پاسخ‌های مبهم، کلی و گاه غیر معقول مواجه می‌شدند. روشنی تبیین‌های اسلامی در پاسخ به سؤال‌ها و مسائلی از این دست که علی‌القاعده برآمده از علوم رایج اسلامی بود، ناکافی می‌نمود.

در روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی برخی بر آن بودند که با وجود قرآن کریم حتی به قانون اساسی نیاز نداریم! و در گام‌های بعدی همین موقعیت را نیز برای

رساله‌های عملیه قائل بودند؛ از سوی دیگر، بسیاری که خود به دسته‌های گوناگون تقسیم می‌شدند، بر آن بودند که علوم انسانی تجربه شده در غرب برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و مدیریت کشور کفایت می‌کند. در چالش بین این دو دیدگاه که البته اولی از صفا و زلالی معتقدان برمی‌خاست و دومی یا از خودباختگی، یا عدم باور به اسلام اجتماعی، یا از سر اضطراب و اجبار روزگار برآمده بود، نظام اسلامی در عمل راه دیگری را برگزید. نظام اسلامی هر دو رویکرد را در عرصه عمل به چالشی عظیم واداشت و دیری نپایید که باورمندان به ایده نخست، در معرکه تفصیل عرصه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، حاره‌ای جز عبور از جمود بر دیدگاه خویش نیافتند و البته برخی از طرفداران ایده دوم نیز در مسیری که نظام اسلامی گشود، همراه شدند. نظام اسلامی با اتکا بر مبانی و مفاهیم اندیشه اسلامی، راه نظریه‌پردازی و نوآوری در علوم انسانی را گشود. این رویکرد نظام در عرصه نهادسازی به تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، دانشگاه امام صادق (ع)، مؤسسه امری و پژوهشی امام خمینی (ره)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مراکز آموزشی و پژوهشی متعدد دیگر منتهی شد. ایده‌ها و آرمان‌هایی نظیر انقلاب فرهنگی، اسلامی‌سازی علوم، علم‌دینی، جنبش نرم‌افزاری و... ظرف‌های نظری مناسبی بودند که زمینه و بستر لازم علمی و سیاسی را برای خلق نهادها، افکار و آدم‌های جدید، فراهم آوردند. این تلاش، که مواجعه علوم انسانی با مبانی اسلامی روند تکاملی خویش را همچنان طی می‌کند، به دستاوردهای ارزشمند علمی در چهره هزاران پژوهشگر، مجله علمی، کتاب و نیز نظریه‌های علمی منجر شده است. اما و همچنان نظام اسلامی به آرمان‌ها و نیازهای خود در این عرصه دست نیافته است. برای نمونه، آن‌گاه که قرار است در عرصه خانواده و زنان تصمیم‌گیری شود، یا قرار است در قلمرو بانکداری یک نظام کامل اسلامی ارائه شود، یا در دنیای بس بزرگ هنر، اندیشه‌ای اسلامی حاکمیت یابد و... معرکه‌هایی فراوان از این دست، نظام اسلام دانشی کافی و لازم را در اختیار ندارد. بسیاری به حق برآنند که پاسخ به این ضرورت بیش از اندازه به درازا کشیده است. این در حالی است که نظام اسلامی عقبه‌های خطرناکی را

پیروزمندانه پشت سر گذاشته است. هنوز پیروزی عظیم اسلام و ایران در جنگ با همه‌ی احزاب ظالم عالم در طول هشت سال، اعجاب‌برانگیزی خود را از دست نداده است. اما و اینک و در حالی که از فتح الفتوح انقلاب اسلامی در همه کشورهای جهان خبرهای جدید می‌رسد، رهبر حکیم، نستوه و شجاع انقلاب اسلامی فرمودند قتلگاه انقلاب اسلامی، میدان نظریه‌پردازی است. گویی مجاهدان اسلام در عرصه جهاد اصغر و سخت، پیروزمندانه به شهرها برگشته‌اند، اما در میدان‌های مجاهدت اکبر و نرم و میدان جهاد علمی به سختی گرفتار شده‌اند.

عرصه جهاد علمی اینک بر اهمیت بوده و اما در قلمرو دانش‌های فنی به جلوه‌های درخشانی دست یافته است: دانش هسته‌ای، دانش سلول‌های بنیادی، دانش فضایی و... اما چرا از موفقیت بی‌بی با مین سطح و درجه، خبر جدی‌ای در عرصه‌های علوم انسانی نیست؟ البته ممکن است هر فردی با توجه به چهارچوب فکری خود برای این سؤال پاسخی داشته باشد. «به نظر می‌رسد «دشواری کار» در صدر این پاسخ‌ها قرار داشته باشد. نظریه‌پردازی و نوآوری در تمرکز فلسفه علوم انسانی و نیز خود علوم انسانی کاری است بسیار صعب و سخت‌تر از نوآوری در عرصه‌های علوم طبیعی. پیداست که نیاز نظام اسلامی به تولید علوم انسانی است. رمی برای بهره‌برداری در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بسیار شدیدتر از نیاز به دانش‌های پرارج در قلمرو علوم طبیعی است. در یک تعریف اجمالی علوم انسانی به طور کلی در حوزه چوب پارادایم‌های مختلف، مأموریت توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل واقعیت‌های انسانی را بر مدار موضوعات خود به هدف تربیت فردی و مدیریت اجتماعی انسان، بر عهده دارد. و معلوم است که صعوبت انجام چنین کاری تا چه میزان می‌باشد؟

در مورد ملاک اسلامیت علوم انسانی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. به نظر می‌رسد رویکردهای ممکن در مورد اسلامیت علوم انسانی را می‌توان بر اساس ملاک‌های چهارگانه‌ی «اسلامیت موضوع، غایت، پژوهشگر و منبع شناخت» دسته‌بندی نمود. اگر ملاک اسلامی دانستن علوم انسانی را منحصرأً اسلامی بودن «انسان» و «جامعه» موضوع

آن بدانیم، این ایده به معنای آن است که اسلام نمی‌تواند انسان و جامعه‌ی غیر اسلامی را بشناسد. در حالی که قرآن کریم و نصوص منقول از معصومان (ع) مملو از معارفی است که مقصود آن شناخت افراد و جامعه‌ی غیر اسلامی است. قرآن کریم هم رفتار فرعون، قارون و نمرود و... را می‌شناساند و هم رفتار اقوام و ملل پیش از اسلام را که غیر مسلمان بوده‌اند. چنان‌که قوانین حاکم بر مطلق جامعه و تاریخ را بدون اینکه اسلامی بودن و نبودن آن تفاوت داشته باشد بیان کرده است.

تعریف عام به غایت آن یعنی تأمین نیازهای فرد و جامعه‌ی اسلامی نیز همین سرنوشت را خواهد داشت. مبانی اسلامی گویای این حقیقت نورانی است که می‌خواهد نیازهای مطلق انسان را مطلقاً جوامع را برآورده سازد. امام خمینی (ره) معمار دوران نوین حیات اسلامی بر آن است که فقہی که در دیدگاه وی علم اداره‌ی جوامع را در اختیار دارد، باید بتواند بر جوامع غیردینی نیز حکومت کند تا چه رسد به علوم‌ی که رسالت آن فهم ماهیت انسان و جامعه می‌باشد.

و اما اینکه ملاک اسلامی بودن یک دانش را فقط مسلمان بودن پژوهشگر بدانیم نیز مقرون به صواب نیست، زیرا اگر رسالت علم را کشف و شناخت واقعیت و روابط واقعی بدانیم، در این صورت، هر پژوهشگری اگر بر مسیر روشی درست و با استفاده درست از منابع شناخت طی طریق کند، باید بتواند به مقصد نائل آید. البته به دلایل منطقی باید پذیرفت که به دلیل همذهنی، پژوهشگر مسلمان، فرد و جامعه‌ی اسلامی را بهتر خواهد شناخت، اما به دلیل اینکه راه شناخت فرد و جامعه تنها محدود به محضر به همذهنی نیست و با استفاده از منابع شناخت یعنی عقل و نقل، هر پژوهشگر می‌تواند - البته با تفاوت‌هایی - به شناخت فرد و جامعه نائل آید و اما انحصار منابع شناخت در وحی و نقل از منظر اسلامی جرمی کمتر از انحصار منابع شناخت در عقل و تجربه نیست، زیرا یک منبع اساسی شناخت که پیامبر باطنی خدا در وجود انسان است، تکفیر و انکار شده است. بنابراین همه‌ی ادله‌ای که در حجیت عقل به عنوان یک منبع شناخت وجود دارد، در عدم پذیرفتن انحصار منابع شناخت در نقل اقامه می‌شود. البته می‌توان علم به وجود

آمده به هدف تأمین نیازهای فرد و جامعه‌ی اسلامی و نیز علم به وجود آمده با موضوع انسان و جامعه‌ی اسلامی و نیز علم به وجود آمده از سوی پژوهشگر مسلمان را «علم مسلمانان» نام نهاد که لزوماً با «علم اسلامی» مترادف نیست.

بنابراین برای اسلامی بودن هر دانش، معیار منبع شناسایی و نه عامل و یا موضوع شناسایی کفایت می‌کند؛ و اگر هر شناخت روشمندی پیرامون هر موضوعی به صورت سازگار از نقل و عقل به دست آید، این شناخت اسلامی خواهد بود.

اما به‌راستی برای رسیدن به این مقصود چه باید کرد؟

یکم: مؤلف و نظریه‌پردازی در علوم انسانی، با هدف تأمین نیازهای زندگی فردی و اجتماعی و ر چهارچوب نظام اسلامی، به یک عزم فراگیر علمی نیازمند است. عزمی که سرمایه‌های انسانی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را بر قدرت برای نظریه‌پردازی در این عرصه وارد نماید.

اما و اینک تلخی قصه تا آنجا است که دانشگاه‌های دولتی که با بودجه هنگفت دولت اسلامی تأمین مالی می‌شوند، برای انجام این رسالت عظیم از کمترین درجه نقش‌آفرینی، مضایقه می‌کنند. به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها باید از این منظر مورد بازخوانی قرار گیرد. نهادهای علمی حوزوی و دانشگاهی، به اصلاح و تکمیل فوری و عاقلانه‌ی معطوف به تحقق این هدف واجب‌التحقی نیازمندند.

دوم: گام دوم و اساسی، فهم و کشف و فهرست کردن از مجموعه ناکارآمدی‌های علوم متعارف انسانی و نیز تجربه بیش از سی ساله کشور در نظریه‌پردازی در قلمرو علوم انسانی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌هاست. واقعیت آن است که از یک سو علوم انسانی متعارف از آن جهت که بر مبانی و فلسفه غیر اسلامی زندگی استوار است، در عمل نتوانسته از توصیه‌های سیاست‌گذارانه کارآمد در مدیریت زندگی فردی و اجتماعی برخوردار باشد؛ و بنابراین، ضرورت تولید دانش دینی متناسب با اداره نظام اسلامی را فراهم آورده است. از سوی دیگر فرصت‌های فراوانی با همه‌ی کم و کسرهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اختیار بسیاری از افراد و نهادهای علمی بوده که هرچند

نتایج خوبی هم داشته، اما و البته ناکامی‌ها و ناکارآمدی‌هایی را نیز به همراه داشته است. واکاوی انتقادی کارهای انجام شده در قلمرو علوم انسانی اسلامی نیز از ضرورت‌های اولیه در این عرصه است.

سوم: گام سوم، کشف نظام‌مند «مسائل» مورد نیاز جامعه اسلامی برای نظریه‌پردازی در چهارچوب علوم انسانی است. زندگی فردی و اجتماعی در نظام اسلامی مسائلی را برای اداره متعالی فرد و جامعه به وجود می‌آورد که این مسائل هر چند می‌تواند هم در واقعیت غوش و هم در بیان آن با مسائل همه بشریت مشترکاتی داشته باشد، اما همه مسائل زندگی همه جوامع با تفاوت‌های فلسفی و فرهنگی و اجتماعی متفاوت می‌شوند. اسلام با توجه به تفاسیر متفاوتی که از زندگی ارائه می‌کند، مسائل متفاوتی را نیز به وجود می‌آورد. بنابراین دستیابی به نظام مسائل زندگی براساس مبانی اسلامی ضرورت دیگر این جهاد علمی است.

چهارم: بازخوانی ذخائر علوم و معارف اسلامی به‌ویژه فلسفه اسلامی به هدف ابتدای علوم انسانی بر آن، یک ضرورت بنیادی اساسی است. به نظر می‌رسد یک روایت جدید از فلسفه اسلامی و نیز سایر علوم اسلامی با هدف ارائه تفسیری بنیادی از انسان، گام اساسی و مهم و شاید مهم‌ترین گام در نظریه‌پردازی در چهارچوب علوم انسانی با رویکرد اسلامی است. ذخائر عظیم فکری اسلامی از منظر مبانی علوم انسانی، روح معرفت اسلامی را در جان و جوهر این علوم خواهد دید. این ضرورت متفق‌القول همه دغدغه‌داران در این وادی است. به نظر می‌رسد حکمت صدرایی که اساساً گزارشی از صیورت تکاملی وجود آدمی است، در این زمینه نقش اساسی و کارساز ایفا خواهد کرد و «وجود انضمامی انسان» به عنوان موضوع فلسفه اسلامی - چنانکه صاحب‌نظران بر آن هستند - می‌تواند فلسفه اسلامی را به یک فلسفه بسیار عظیم و اثرگذار برای علوم انسانی تبدیل نماید.

پنجم: در هر مقطعی و در این مقطع نیز نیاز مبرم برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از تلاش‌های علمی انجام شده از آغاز تاکنون در قلمرو رشته‌های مختلف علوم انسانی

اسلامی وجود دارد. ارائه روشمند یافته‌های علمی با رویکرد اسلامی در چهارچوب هر یک از رشته‌های علمی تمام محدودیت‌ها و ظرفیت‌های گذشته علمی، را در اختیار نظریه‌پردازان جدید قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان اگر یافته‌های گذشته را در اختیار نداشته باشند، قطعاً به کارهای تکراری و البته مهم‌تر از آن غیر مرتبط با گذشته خواهند پرداخت. به علاوه بدیهی است که پیشرفت در این عرصه وابسته به این است که گذشته علمی به صورت مضبوط و منضبط در اختیار نظریه‌پردازان نوپیدا در هر عرصه‌ای قرار گیرد.

ششم: به نظر می‌رسد بین مراکز سیاست‌گذار و برنامه‌ریز کشور و متن مردم که علی‌القاعده، نیازمندان به علوم انسانی اسلامی هستند و مراکز تولید دانش‌های اسلامی، باید آم‌شنگ شدیدی به وجود آید. هرچند نگارنده نمی‌داند که آیا ادغام آموزش عالی پزشکی با مراکز علمی نتایج مطلوب را در پی داشته است، اما به نظر می‌رسد رویکردی مشابه آن در عرصه‌ی علوم انسانی اسلامی نیز ضرورت داشته باشد. هم‌اکنون «علم غیر نافع» یک انگشت اتهام اساسی است که به سوی علوم انسانی اسلامی نشانه می‌رود. هفتم: ایجاد مراکز تخصصی نظریه‌پردازی در کنار مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی جامع یک ضرورت انکارناپذیر است. دانشگاه و پژوهشگاه جامع دارای منافع فراوانی از جمله ایجاد زمینه ارتباطات بینا رشته‌ای است، اما واقعیت آن است که ایجاد یک خلوت و عزلت علمی برای موضوعات و رشته‌های خاص علمی علوم انسانی اسلامی نظیر «رویان» برای سلول‌های بنیادی فرصت‌های زیادی را جهت نوآوری‌های اثرگذار فراهم خواهد آورد.

پیداست که این همه از جنس مقدمه محسوب می‌شوند تا مراکز علمی و پژوهشگران کار اصلی را انجام دهند.

اما و در هر صورت کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در این عرصه، مسئولیت جریان‌سازی فکری و فرهنگی را با جمع‌بندی تلاش‌های علمی گذشته، فتح باب نوآوری‌های جدید و اصلاح و ترمیم نهادها و مراکز علمی، طرح مسائل جدید، ارزیابی انتقادی وضعیت گذشته و حال، پیوند بین مراکز نیازمند به علوم انسانی و مراکز تولید

آن و نقد علوم انسانی متعارف و پایه‌گذاری فلسفه اسلامی علوم انسانی را بر عهده دارد. امیدواریم همه مراکز علمی و پژوهشگران و مراکز سیاست‌گذار و برنامه‌ریز در کشور، ما را در انجام این رسالت تنها نگذارند.

بنا بر آنچه ذکر شد، امروز ایجاد زمینه مساعد برای معرفی دقیق رویکرد متعادل، و نیز هم‌افزایی اندیشمندان مسلمان ایرانی و خارجی چه در نقد علوم انسانی غربی و چه در هموار نمودن راه پیشرفت نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی یک ضرورت است و برگزارکنندگان کنفرانس علمی جدی و غیر تشریفاتی با اهداف ذیل می‌تواند برای این منظور یک کار مهم و ارزشمند به حساب آید:

- (۱) ارزیابی وضعیت جاری آموزش و پژوهش در قلمرو علوم انسانی اسلامی
  - (۲) جمع‌بندی بیان علمی موجود در قلمرو علوم انسانی اسلامی
  - (۳) برداشتن یک گام جدید و جدی در روند رو به پیشرفت علوم انسانی اسلامی
  - (۴) جریان‌سازی علمی و فرهنگی برای ترقی فضای گفت‌وگویی پیرامون علوم انسانی اسلامی
  - (۵) برقراری تعامل فراملی و بین‌المللی و استفاده متقابل از تجارب گوناگون با هدف پیشرفت علمی در قلمرو علوم انسانی اسلامی
- برای تحقق اهداف فوق، نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی با حضور و همراهی تحسین برانگیز پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی، در ۱۳۹۱/۲/۳۱ با همکاری مراکز ذیل برگزار گردید:

مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی، صدا، سازمان صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمية، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، دانشگاه عالی دفاع ملی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، دانشگاه امام صادق (ع)، مراکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مراکز تحقیقات سیاست‌های علمی کشور، دانشگاه مفید، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه

صنعتی شریف، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشگاه علوم و حیانی معارج، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فرهنگستان علوم اسلامی قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دانشگاه معارف اسلامی، دانشگاه شاهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه سوره، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (معاونت پژوهش و آموزش)، مرکز مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما، شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران (ایتان)، بنیاد پژوهش‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، شبکه چهار سیما، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز هم‌اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی.

در گام نخست، پس از احیای و سامان‌دهی ارکان کنگره، فراخوان عمومی با هدف دعوت از همه‌ی پژوهشگران و استاتید حوزه و دانشگاه برای نوشتن مقالات بر محور موضوعات ذیل منتشر گردید:

- ۱) نقد علوم انسانی متداول
- ۲) معنا، ماهیت و شاخصه‌های علوم انسانی اسلامی
- ۳) مبانی و فلسفه علوم انسانی اسلامی
- ۴) روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی
- ۵) پیشینه علوم انسانی اسلامی
- ۶) رویکردها، دیدگاه‌ها، ایده‌ها و نظریه‌های مطرح در علوم انسانی اسلامی
- ۷) زمینه‌ها و موانع کاربردی کردن علوم انسانی اسلامی
- ۸) بررسی وضعیت کنونی علوم انسانی اسلامی (پیشرفت، رکورد یا انحطاط) در کشورهای مختلف اسلامی
- ۹) نهادهای علمی متناسب با تولید و آموزش علوم انسانی اسلامی (دانشگاه اسلامی و غیره)
- ۱۰) علوم انسانی اسلامی و دگرگونی در طبقه‌بندی علوم به‌طور عام و علوم انسانی

به طور خاص

(۱۱) آسیب شناسی علوم انسانی اسلامی

(۱۲) نقش علوم انسانی اسلامی در پیشرفت اسلامی

در آغاز کار، آخرین فرصت ارسال چکیده مقالات ۳۱ شهریور ۱۳۹۰ اعلام شده بود که به دلیل استقبال کم نظیر پژوهشگران این فرصت در دو مرحله به ۳۰ مهرماه و ۳۰ آبان ماه تمدید گردید. سرانجام ۶۳۷ چکیده مقاله و ۴۰۹ مقاله به دبیرخانه کنگره واصل گردید که در ۶۲ مقاله از این مجموعه مقالات خارجی و داخلی حائز امتیاز ارائه در کنگره گردید. هدف اصلی از بعد بین المللی کنگره نیز ایجاد ظرفیت مناسب بران تعاملاً علمی داخل کشور با خارج، به ویژه جهان اسلام است. این وظیفه با مدیریت تحسین براتی، جناب آقای دکتر دوستدار به عنوان رئیس کمیته بین الملل کنگره و همکارانشان در مراکز همکاری های علمی بین المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز همکاری مراکزی که در کشور مسئولیت های بین المللی داشتند، به ویژه دانشگاه بین المللی المصطفی (ص) انجام پذیرفت.

در بعد بین المللی کنگره، علاوه بر دستیابی به مقالات خارجی و حضور و ارائه آنها در کمیسیون های تخصصی کنگره، دو نشست تخصصی با حضور اندیشمندان داخلی و میهمانان خارجی نیز پیش بینی گردید. نشست نخست که بیشتر با هدف یک معارفه علمی متقابل طراحی شده بود، در ۹۱/۲/۳۰ به مدت چهار ساعت با حضور و گفتگوی علمی میهمانان خارجی و برخی از متفکران داخلی، با محوریت موضوع کنگره، برگزار گردید. نشست دوم که در حقیقت نشست اصلی ویژه رویکرد بین المللی کنگره بود، طی یک روز با ارائه مقالات میهمانان خارجی و پژوهشگران داخلی، با مدیریت و میزبانی مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و با سخنرانی پر محتوای علامه مصباح یزدی و ارائه شش مقاله به زبان انگلیسی، در روز دوم خرداد ماه در قم برگزار گردید.

گام چهارم، تشکیل کمیسیون های تخصصی به شرح ذیل بود:

کمیته‌ی علمی کنگره ابتدا در قالب ده کمیسیون تخصصی، هر یک با مدیریت یکی از مراکز علمی معتبر، شروع به کار نمود و در روز برگزاری کنگره، عملاً شش کمیسیون به شرح ذیل تشکیل گردید:

۱. کمیسیون فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی، با مدیریت مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدا و با همکاری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. کمیسیون نقد علوم انسانی متداول، با مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضوان الله تعالی علیه.

۳. کمیسیون نظریه‌های ممتاز در علوم انسانی اسلامی، با مدیریت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴. کمیسیون روش‌های رایج به علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام، با مدیریت دانشگاه بین‌المللی امام‌مظفر (ص).

۵. کمیسیون کاربردی‌سازی علوم انسانی اسلامی، با مدیریت دانشگاه عالی دفاع ملی.

۶. کمیسیون طبقه‌بندی علوم، با مدیریت بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. کمیسیون هفتم نیز با عنوان «بوندی علوم انسانی و طبیعی با رویکرد اسلامی» با محوریت و مدیریت دانشگاه صنعتی شریف طراحی گردید، اما به خاطر پیگیری دیر هنگام نتیجه نداد و بنا شد که برای کنگره‌ای بعدی فعال شود.

گام پنجم، تعیین «جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی» در جلسات شورای سیاست‌گذاری بود که مقرر گردید هر ساله - همزمان با برگزاری کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی - به برترین نظریه و نوآوری علمی، از میان جدیدترین نظریات ارائه شده در جهان در قلمرو علوم انسانی اسلامی اعطا گردد.

گام ششم، در پنجمین جلسه شورای سیاست‌گذاری کنگره - که در مشهد مقدس تشکیل گردید - برداشته شد. در این جلسه، ضمن تصویب تشکیل دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، مصوب شد به دلیل اهمیت و ضرورت بهره‌مندی این کنگره از تجربیات و ارتباطات جامع، جناب حجت الاسلام والمسلمین غلامی، ریاست

شورای سیاست‌گذاری دبیرخانه دائمی را بر عهده گیرند و که محل دبیرخانه دائمی نیز مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا باشد.

گام هفتم، براساس یک برنامه‌ریزی و پیگیری جدی صورت گرفت و آن، انتشار اولین شماره از فصلنامه صدرا در قالب دو جلد، به عنوان ویژه‌نامه کنگره، بود. البته فصلنامه رسالت ویژه خود را جریان‌سازی فرهنگی برای افزایش عقلانیت اسلامی در جامعه، با تولید و ترویج علوم انسانی اسلامی، تعریف کرده است. با توجه به اینکه فصلنامه از محدوده بحث ای متعارف مجلات آکادمیک برخوردار نیست، از همه پژوهشگران برای انجام این مسئولیت استمداد می‌جوییم.

گام هشتم، برنامه‌سازی تلویزیونی بود که با هماهنگی مدیران شبکه چهارم سیما، میزگردهایی با عنوان «پگاه تحول» که با حضور اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی تشکیل می‌شد، طراحی، اجرا را از شبکه بخش گردید.

و اما چند تشکر:

ابتدا باید از حضور و همراهی ارشدان و کم‌نظیر همه پژوهشگران و اساتید ارجمند در همه مراحل انجام کار، به ویژه حضور پرشکو و معنادار در مراسم کنگره سپاس‌گزاری کنم. البته سپاس حقیقی پاداشی است که باید بعد از انجام هر عمل صالحی از خدای بزرگ انتظار داشته باشیم. سپاس و تشکر ویژه را به حضور حضرت آیت الله علامه مصباح یزدی تقدیم می‌کنم که در جایگاه شایسته جانشینی علامه آیت‌الابایی و استاد مطهری (رضوان الله تعالی علیهما) با سخنانی پر محتوا در اختتامیه و نشست بین‌المللی قم، به محافل ما رونقی زائد الوصف بخشیدند.

از آیت الله آملی لاریجانی که علاوه بر جایگاه منصب ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، دارای شخصیت و جایگاه معتبر علمی می‌باشند و با سخنان ارزشمند خود در مراسم افتتاحیه، به این نشست اعتبار والایی بخشیدند، نیز تشکر می‌کنیم.

فاضل ارجمند جناب حاجت الاسلام والمسلمین رضا غلامی رئیس محترم مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا و رئیس محترم شورای سیاست‌گذاری اولین

کنگره، مثل دو همایش قبلی با تدبیر شایسته خود مدیریت راهبردی کنگره را به نحو تحسین برانگیزی به انجام رساندند.

به طور ویژه از همه پژوهشگران، اساتید معزز حوزه و دانشگاه که در همه مراحل انجام کار از جمله گفتمان سازی، تهیه مقالات و ارزیابی مقالات و شرکت در جلسات با ما همکاری کردند، سپاس گزاریم. در این قسمت سپاس ویژه خود را به اعضای بزرگوار کمیته علمی کنگره، حجج اسلام آقایان دکتر عبدالحسین خسروپناه، سید احمد رهنمایی، رضا غلامی، محسن ملک افضلی، علی رضا قائمی نیا، سید حمیدرضا حسنی و آقایان دکتر عباس چها، دولی، امیر سلمانی رحیمی و حسین کلباسی که زحمات زیادی را متحمل شدند، تقدیم می کنیم.

از همه دانشگاه ها، مراکز علمی همکار - هر چند خود صاحب کار بوده اند - به اندازه مسئولیتی که بوجه ما است سپاسگزاری می کنیم و برخی از عدم همکاری های تعداد محدودی از این مراکز را با حسن ظن به شرایط خاص آنان مربوط می دانیم و به گلابه های پنهانی اکتفا می کنیم.

در این میانه بر ما لازم است تا مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) که همکاری ممتازی با دبیرخانه داشته است، به صورت ویژه تشکر کنیم. از مجموعه همکاران اجرایی آقایان حمید ندلس، یوسف بهرخ، مجید الماسی، فرهاد مهتاب، شکرالله یوسفی، هادی غلامی، سید مهدی حسینی و سید مهدی موسوی که با تلاش مؤثر خویش به ویژه در روزهای برگزاری همایش در به سرانجام مطلوب رساندن کار مدد رساندند و همچنین از آقای محمدحسن مقیسه رحمت نظارت بر گروه ویراستاری این مجموعه را، در قامت سرویراستار کشیده اند، سپاس گزاریم. برای یادآوری مجدد مسئولیت همه ما این مقدمه را با جملاتی از مقتدای حکیم انقلاب اسلامی پایان می دهیم:

علوم انسانی [فعلی] ما بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان بینی دیگر است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم

آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه اجازه بدهیم هرگونه فکر تحقیقی اسلامی در آن راه پیدا کند، می‌آوریم در دانشگاه‌های خودمان و این‌ها را در بخش‌های مختلف تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن کریم جستجو و پیدا کرد. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و اساس بناهای رفیعی را ایجاد کنند. آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسان پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد. (بیانات در دیدار جمعی ر بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۸/۷/۲۸)

بمنه و کرمه  
عطاء الله رفیعی آتانی  
دبیر علمی کنگره

## فهرست مطالب

۲۱

رویکرد تفهیمی در علوم اجتماعی از دیدگاه فلاسفه اسلامی  
فلسفه ابراهیمی نهر

۴۹

تقریر غایت‌گرایانه از علم دینی (و علوم انسانی اسلامی) با تکیه بر اندیشه‌های استاد مطهری  
علی‌اشعری خنسدان

۷۷

علوم انسانی اسلامی به‌مثابه کاشف عقلانیت اسلامی  
مطالعات رفیعی‌آزاد

۹۷

اعتبارسنجی تاریخ پژوهی متداول اسلامی، مبتنی بر قرآن و حدیث و احادیث کلامی  
شیعی، مطالعه‌ی موردی: سیردهی بن‌اسحاق  
ابن‌روشن‌بین

۱۱۹

چگونگی بازتولید فلسفه‌های علوم انسانی با تکیه بر فلسفه اسلامی  
حسن‌سوزجانی

- ۱۶۷ تأملی بر روش‌شناسی در علوم انسانی  
مؤلف: مسکوت‌الحق قاسمی، ترجمه: کاظمی ارباب
- ۱۹۵ هستی‌شناسی اجتماعی در تفکر علامه شهید مطهری  
مؤلف: کشاورز شیری، زاهد غفاری همساحی، مهدی جعفری
- ۲۲۷ معرفت‌شناسی اجتماعی در تفکر علامه شهید مطهری  
مؤلف: کشاورز شیری، زاهد غفاری همساحی، مهدی جعفری
- ۲۵۹ اعلان مسئله علم دینی در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی  
مؤلف: محمدتقی محمدی
- ۲۸۱ اصول و مبانی روش‌شناسی اجتماعی در قرآن  
مؤلف: فاطمه امینی پور
- ۳۱۵ تأثیر مبانی جهان‌بینی و انسان‌شناختی در علوم انسانی با تأکید بر دانش اقتصاد  
مؤلف: حواد ابروانی
- ۳۵۵ اومانیزم و تنویر، مطالعه‌ی تطبیقی در روش‌شناسی و مفهوم  
شیرین انصاری، عباس عباسی
- ۳۸۷ مقایسه‌ای میان انسان‌شناسی فلسفی عرفانی اسلامی با انسان‌شناسی غربی مدرن  
تأثیر آن در فلسفه اخلاق  
سید مهدی بیابانکی
- ۴۱۱ رویکرد میان‌رشته‌ای و امکان تولید دانش بومی در علوم انسانی  
و حجتان نارماد، عباس معدنی دارآرایی